

نام و نام خانوادگی: ..... بسمه تعالی      املای درس رازی و ساخت بیمارستان  
آموزگار: میلاد محمودزاده

دور کلمه ای که درست نوشته شده است خط بکشید.

طیب ( خوشحال - خوش حال ) شد و گفت: " بروید و چند (تله - تله ) گوشت تازه بیاورید ". گفتند گوشت تازه برای ساختن ( بیمارستان - بیمارستان )؟! بعضی در دل خندیدند و با خود گفتند " نلند طیب بزرگ ما ( هوس - هوس ) خوردن کباب کرده است؟! ". همه از این فرمان طیب ( شگفتزده - شگفت زده ) شدند. چند نفر رفتند و گوشت ها را آوردند. بعضی از گوشت ها خشکیده و بعضی ( فاسد - فاسد ) و بدبو شده بودند.

پس معلوم می شود آن ( نقطه - نقطه ) شهر که این گوشت ها در آن ( آویزان - آویزان ) بوده است، هوای ( پاکیزتری - پاکیزه تری ) داشته است. ( محمد - محمد ) پسر زکریا در جوانی پدرش را از دست داد و به ناچار در جوانی در کارگاه ( زرگری - زرگری ) مشغول به کار شد. رازی در کنار کار در کارگاه در کلاس درس ( اسطادان - استادان ) هم ( حاضر - حاضر ) می شد.

دوستان ( عزیز - عزیز ) اکنون من و شما برای ( موفقیت - موفقیت ) و ( صربلندی - صربلندی ) کشورمان باید

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

چه کارهایی انجام دهیم؟!

- ارزشیابی :